



Islamic Azad University, Lahijan Branch

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines

آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

HomePage: <http://jcl.d.liau.ac.ir>

Vol.1, No.3, Issue 3, Attumn 2022, P:59-80

Receive Date: 2022/10/22

Revise Date: 2022/10/19

Accept Date: 2022/9/21

Article type: Original

Online ISSN: 2821-2339

DOI: 10.30495/JCLD.2022.696792

Analysis of the Challenges of Alternation of the Services of Public Utility with the Punishment of Imprisonment with an Approach on the Judicial Procedure

Mojtaba Farahbakhsh¹Ahmad Ramezani²Ghasemali Tavassoli³

Abstract

The upcoming article has investigated the backstage challenges of the services of public utility at the status of an alternative punishment to imprisonment and the feasibility of solutions of exit from mentioned challenges. The results of research indicate that not institutionalization of the culture of using alternative punishments to imprisonment in judiciary system, weakness of culturalization in society, tendency of the masses to rough punishments and impressionability of judges from this cause of populism, unreliability of judges to the results of alternative punishments to imprisonment, a lack of investment for import or build of required equipments and technologies for alternatives to imprisonment and loss of employment of professional human resources and experienced supervisors in the supervision on execution of mentioned punishments due to financial difficulties of judicial system, loss of job for convicted to do free services and execution of strict policy are the major challenges and obstacles in the execution of services of public utility instead of the punishment of imprisonment and cultural solutions such as teaching judges, distance from the popular criminal policy and resolution of the economical and political challenges can decrease the population of people in imprisonment and issue the verdicts of alternative to imprisonment.

Keywords: services of public utility, alternative punishment to imprisonment, challenges of alternative punishment to imprisonment.

¹. Assistant Professor of department of Criminal Law and Criminology, Shahed University, Tehran, Iran. (corresponding author) mojtabafarahbakhsh2022@yahoo.com.

². Assistant Professor of department of Law, University of Science and Culture, Tehran, Iran. ramezani@usc.ac.ir

³. PhD student of Criminal Law and Criminology, Shahr Qods Branch, Islamic Azad University, Shahr Qods, Iran. ghasemalitavassoli1400@yahoo.com.



دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان

Jurisprudence and Criminal Law Doctrines آموزه‌های فقه و حقوق جزاء

سال اول - شماره ۳ - شماره پیاپی ۳ - پاییز ۱۴۰۱، ص ۵۹ - ۸۰
Homepage: <http://jclld.liau.ac>
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۳۰
نوع مقاله: پژوهشی شاپا الکترونیکی: ۲۳۳۹-۲۸۲۱
DOI:10.30495/JCLD.2022.696792

واکوی چالش‌های جایگزینی خدمات عام المنفعه با مجازات حبس، با رویکرد بر رویهی قضایی

مجتبی فرح بخش^۱
احمد رضانی^۲
قاسمعلی توسلی^۳

چکیده

مقاله‌ی پیش رو، به بررسی چالش‌های فرا روی خدمات عام المنفعه در مقام مجازات جایگزین حبس و امکان سنجی راهکارهای برون رفت از چالش‌های مذکور است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نهادینه نشدن فرهنگ استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس، در دستگاه قضایی، ضعف فرهنگ سازی در جامعه، تمایل توده‌های مردم به کیفرهای خشن و تاثیر پذیری قضاات از همین عامل عوامگرایی، عدم اطمینان قضاات به نتایج مجازات‌های جایگزین حبس، فقدان سرمایه‌گذاری برای وارد کردن و یا ساخت تجهیزات و فن‌آوری‌های مورد نیاز جایگزین‌های حبس و عدم جذب نیروی انسانی متخصص و ناظران مجرب در امر نظارت بر اجرای مجازات‌های مورد نظر، به جهت مشکلات مالی دستگاه قضا، کمبود شغل برای محکومین به انجام خدمات رایگان و اعمال سیاست سخت گیرانه، عمده‌ترین چالش‌ها و موانع اجرای مجازات خدمات عام المنفعه به جای مجازات حبس است و راهکارهای فرهنگی، از جمله آموزش قضاات، دوری از سیاست کیفری عوام‌گرا و رفع چالش‌های اقتصادی و سیاسی می‌تواند راهگشای کاهش جمعیت افراد در حبس و صدور آرای جایگزین حبس باشد.

واژه‌های کلیدی: خدمات عام المنفعه، مجازات جایگزین حبس، چالش‌های مجازات جایگزین حبس.

^۱. استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mojtabafarahbakhsh2022@yahoo.com

^۲. استادیار گروه حقوق، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران، ایران ramezani@usc.ac.ir

^۳. دانشجوی دکتری حقوق جزاء و جرم‌شناسی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران

ghasemalitavasoli1400@yahoo.com

صدور احکام حبس به صورت گسترده و ناکارآمدی و بازتولید آسیب‌ها، باعث بروز واکنش‌هایی از سوی حقوقدانان شده است. آنان تلاش‌های زیادی جهت جلوگیری از ورود افراد با جرایم سبک به حبس نمودند که یکی از اقدامات آنها، مجازات جایگزین حبس است. آموزش جرم و تولید مجرم حرفه‌ای، تعارض با اصل شخصی بودن مجازاتها، هدر رفتن منابع مادی و معنوی، افزایش بیماریها، هزینه‌های بالای اقتصادی، فروپاشی خانواده‌ها، تشدید فقر و شکاف طبقاتی، خطرناک شدن افراد محکوم به حبس برای جامعه پس از آزادی، ایجاد حس حقارت و از بین رفتن احساس مسئولیت در افراد محبوس و... از جمله دلایلی هستند که ادامه رشد حبس و گسترش بی‌رویه این ساختار معیوب را غیرمعقول می‌نماید. بعد از شناسایی ضعف‌ها و نارسایی نظریه‌های اصلاح و درمان، کم‌اثر شدن مجازات حبس به‌عنوان سلاح راهبردی در نظریه اصلاح و درمان، و نامتناسب بودن آن با اهداف مجازاتها، شاهد رشد مجازاتهای جایگزین حبس به شکل عام و خاص در سامانه کیفری کشورها، بالاخص کشورهای اروپایی هستیم ولی اعمال این دسته از مجازاتها، سابقه‌چندانی در دستگاه قضایی ایران بعد از انقلاب ندارد؛ هر چند ناکارآمدی حبس و عواقب آن محرز شده و قانون نیز در موارد خاصی دست قضاات را برای صدور حکم‌هایی غیر از حبس باز گذاشته است.

مجموعه مجازاتهای جایگزین حبس، با هدف پرهیز از اندیشه و تدابیر سزادهی و سرکوبگری صرف، تدوین و به‌عنوان کیفر و ابزاری سزادهنده تصویب شده است. این دسته از کیفرهای جایگزین حبس هنوز نهادینه نشده‌اند و استفاده از رویه قضایی در ایران چندان محل توجه نیست، اما اعمال معدود این‌گونه مجازات‌ها که به موجب بند (ج) ماده (۸۱) ق.آ.د.ک از سوی دادستان و دادگاههای رسیدگی‌کننده به جرایم، نشانگر تأثیر مثبت این حرکت جدید قضایی بر بزهکاران جامعه است. از میان انواع جایگزین‌های حبس، خدمات عام‌المنفعه به‌خاطر ویژگی، شرایط و خصوصیاتش توجه بیشتر حقوقدانان و نظریه‌پردازان را به خود جلب کرده است؛ خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس عبارت است از یک دوره مراقبت، خدمات عمومی رایگان، جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی. با این رویکرد، افرادی که به علل متفاوتی مرتکب جرم می‌شوند، در مواردی که جرم آنها آثار اجتماعی شدیدی نداشته باشد، می‌توانند به‌جای تحمل مجازات حبس، از مجازات جایگزین حبس بهره ببرند. به دو دسته مجازات جایگزین حبس می‌توان اشاره کرد: دسته اول دارای ضمانت اجرایی مالی است و دیگری دارای ضمانت اجرایی تربیتی، اجتماعی و آموزشی، که با توجه به وضعیت روحی و روانی مجرم در نظر گرفته می‌شود. از جمله اهداف اعمال هر دو دسته مجازات نیز اصلاح، درمان، جامعه‌پذیری و بازپروری مجرم است. در اجرای این نوع مجازاتها سعی بر جبران است تا محکوم علیه هیچ تماسی با حبس نداشته باشد و همچنان فعالیت‌های روزانه خود را حفظ کند، ولی ناگزیر است در بیرون از حبس محدودیت‌هایی را تحت نظارت قاضی اجرای احکام بپذیرد. اشتغال به کار عام‌المنفعه، یک نوع محکومیت کیفری و بدون پرداخت مزد و رایگان است تا

بزهکار، به صورت فردی نتایج بزه خود را درک نموده و این قبیل امور را انجام ندهد، علاوه بر این خانواده وی نیز نسبت به انجام خلاف او متنبه نگردد. همچنین، زمینه استفاده از تخصص وی در جامعه فراهم می‌شود و از تبدیل شدن یک بزهکار به مجرمی حرفه‌ای پیشگیری می‌گردد. میزان ساعت خدمات عمومی، حسب مدت زمان حبس، متغیر است؛ یعنی اینکه مجرمین شاغل، بیش از چهار ساعت و افراد مجرم غیر شاغل بیش از هشت ساعت در روز به خدمات عمومی در مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه به‌کار گماشته نمی‌شوند.

ضرورت دارد که آثار مثبت اعمال قوانین جایگزین حبس برای جامعه تبیین و بازگو گردد و تفکرات سزادهی و سزاگرایی جامعه اصلاح شود، زمینه بکارگیری محکومان به خدمات عام‌المنفعه فراهم و توسعه داده شود، و برنامه‌های آموزشی برای قضات پیش‌بینی و ارائه گردد. آسیب‌شناسی علمی و ارزیابی دقیق این مجازات‌ها مستلزم مطالعه فراوان پیرامون طیف وسیعی از نهادها، کارکنان نهادهای مجری طرح، قضات و مقامات مسئول تعیین کیفر، بزهکاران و تمام کسانی است که احتمالاً دیدگاه متفاوتی نسبت به معیارهای موفقیت‌آمیز این مجازات‌ها داشته باشند. چرا که سیاستگذاران و مدیران سیاست جنایی از سوی افکار عمومی و رسانه‌ها، همواره در معرض فشار ناشی از ناکارآمدی و هزینه‌های هنگفت برنامه‌ها و سیاست‌های عدالت کیفری قرار داشته‌اند. همچنین، به دلیل انتظارات عمومی در برخورد قاطع با مجرمان و فقدان جنبه‌های سزاگرایانه در کیفرهای جایگزین به‌ویژه خدمات عمومی رایگان، این مجازات‌ها بیشتر از سایر برنامه‌های دیگر عدالت کیفری در معرض اتهام ناکارآمدی بوده‌اند، و به نظرمی-رسد باید با طراحی و برنامه‌ریزی منسجم و نظارت مستمر کمی و کیفی بر نحوه اجرای قوانین، رصد مداوم کارکرد مفید اعمال مجازات جایگزین حبس بر تکرار ارتکاب جرم، نسبت به حل مشکلات موجود و برداشتن گام در جهت اجرای دقیق مجازات‌های جایگزین حبس به‌ویژه خدمات عام‌المنفعه رایگان اقدام کرد.

به نظر می‌رسد خدمات عمومی رایگان (عام‌المنفعه) از جمله حکم جایگزین‌هایی است که می‌تواند به‌طور مستقیم جایگزین حبس شود و براساس بررسی‌های راهبردی در توسعه قضایی و لایحه مجازات‌های اجتماعی، خدمات عمومی یا عام‌المنفعه یکی از مهمترین راهکارهای جایگزین حبس تلقی شود. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مجازات‌های جایگزین حبس پرداخته و جایگزین‌های حبس از جمله خدمات عام‌المنفعه را مشروط به رعایت شرایطی پذیرفته است. مشروط‌سازی آراء به شرایط و فقدان رویه قضایی برای الزام قضات به صدور آرای منتج به جایگزین‌های حبس به‌ویژه خدمات عام‌المنفعه، برداشت‌ها و تفاسیر متعدد قضات از قانون موجود، باعث نادیده گرفتن مفاد و مزایای این قانون توسط قضات در موقع صدور آراء می‌شود. موانع و تحدیدات عدیده تقنینی و خلاءها و ابهامات موجود در قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس و نارسایی و ناکارآمدی آئین‌نامه اجرایی این مجازات سبب شده که قضات تمایل چندانی به اعمال جایگزین‌های نوین حبس از خود نشان ندهند. ملاحظات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قضات سنت‌گرا و اصرار آنان بر تداوم سیاست جنایی تقنینی، قضایی، و سیاست جنایی مشارکتی، با اندیشه بازپروری و اجتماعی‌سازی مجرم و حبس‌زدایی سنخیت

ندارد و باعث تداوم سیاست حبس‌محور می‌شود. قاضی با توجه به دانش خود به جامعه و بازپروری او باشد ولی برخی از قضات به راحتی از این ظرفیت قانونی چشم‌پوشی می‌کنند. هدف از اعمال مجازاتهای جایگزین اصلاح و بازپروری بزهکار و کاهش جمعیت کیفری زندانها است و قاضی می‌تواند برای جرایمی همچون: ایراد صدمات غیر عمد و قتل غیر عمد ناشی از تصادفات رانندگی، رانندگی بدون پروانه رسمی، تصرفات عدوانی، ایجاد مزاحمت برای بانوان، مزاحمت تلفنی، قطع درختان، جرایم علیه محیط زیست و... حکم جایگزین حبس صادر کند. اما در بررسی آرای صادره در این موارد نیز به وفور نادیده انگاشتن برخی متغیرهای مهم همچون: نوع جرم، سن، جنس، وضعیت شغلی و تأهل مرتکب، از سوی قضات مشهود است. این مطالعه با نظر به این موانع و دیگر چالش‌های فراروی بهره‌گیری از خدمات عام‌المنفعه به عنوان مجازات جایگزین‌های مجازات حبس، در صدد است نقش رویه قضایی به عنوان منبع قاعده‌ساز را در این زمینه بررسی کند؛ همچنین، با تکیه بر تجزیه و تحلیل موردی آراء صادره از محاکم کیفری (رویه قضایی)، افزون بر موارد مطرح شده، چالش‌ها و راهکارهای مجازات جایگزین حبس (خدمات عمومی رایگان)، با توجه به قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ در حقوق کیفری ایران و در صورت اقتضا، قوانین دیگر کشورها، تجزیه و تحلیل می‌شود.

۱. مبانی نظری پژوهش

نظریه به مثابه ابزاری است که به تحلیلگر کمک می‌کند تا تحلیل نسبتاً علمی تری از واقعیت ارائه دهد. با توجه به کثرت نظریه‌ها در حقوق لازم است یک چهارچوب نظری تعریف نمود و در قالب آن به بیان بحث در مورد موضوع مورد پژوهش پرداخت. متناسب با این رویکرد، در این بخش به بررسی مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

۱-۱. مکتب تحقیقی

بررسی مبانی نظری پژوهش نشان می‌دهد که مطالعه و اندیشه‌مبنایی جرم و جرم‌زدایی ریشه در یکی از بزرگترین مکاتب حقوقی، یعنی مکتب تحقیقی دارد. از مهمترین تأثیرات این مکتب می‌توان به پیش‌بینی اقدامات تأمینی برای پیشگیری از جرم و نظریه فردی کردن مجازاتها اشاره کرد. مکتب تحقیقی به سردمداری لومبروزو، گاروفالو و انریکو فری توانست تأثیرات شگرفی بر یافته‌های جرم‌شناسی تا آن زمان به جای بگذارد؛ اندیشه مبتنی بر نفی اراده، اعتقاد به دلایل فیزیولوژی جرم، حالت خطرناک، بازپروری و مواردی نظیر آن از جمله یافته‌های جرم‌شناسی مبتنی بر مطالعات و نظریات مکتب تحقیقی است. مکتب تحقیقی دارای دیدگاهها و نظریات خاصی در مورد طبیعت نوع بشر و جامعه است. از نظر این مکتب مسئولیت اجتماعی بزهکار جایگزین مسئولیت اخلاقی خواهد شد. از طرفی چون برخورد با بعضی از افراد مجرم به علت جرم اجتناب‌ناپذیر است، پس باید اقدامات و تدابیر تأمینی برای چنین افرادی لحاظ شود (امامی، ۱۳۹۷، ۱۱۰).

مکتب تحقیقی یک مکتب تجربی و مبتنی بر آزمایش و مقایسه است که براساس آن مجرم از نزدیک مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در این مکتب اصل کلی آن است که نوع جبریت ما با عوامل زیستی و روانی همراه است. انریکو فری جبریت زیستی لمبروزو را تعدیل کرده و جرم را حاصل شرایط اجتماعی و فردی می‌داند. فری براساس مطالعات گری و کتله دو قانون را مطرح کرد. قانون اشباع جنایی و قانون فوق اشباع جنایی. او در بحث قانون اشباع جنایی اعلام کرد که در یک محیط اجتماعی معین میزان مستمر و معینی از بزهکاری وجود دارد. به موجب قانون فوق اشباع جنایی، هرگاه در یک محیط اجتماعی یک واقعه غیرعادی رخ دهد منجر به تغییر روابط اجتماعی می‌شود که این تغییر روابط باعث افزایش جرایم می‌شود. به محض اینکه این واقعه و آثارش تعدیل شود جریان بزهکاری در این جامعه آهنگ معمول را خود باز می‌یابد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴، ۱۷).

۲-۱. اندیشه بازپروری در مکتب تحقیقی

قانونگذار روش استقرا و تجربه را وارد قلمرو حقوق جزا نمود و اذهان قانونگذاران را علاوه بر تأیید نامساعد عوامل و شرایط محیط زندگی متوجه تاثیر سوء بی‌تناسبی‌های جسمی و روانی مجرم نمود، و در نتیجه مسئله فردی کردن مجازاتها را بیان کرد. در ایران هم با الهام از آن مکتب در سال ۱۳۳۹ قانون اقدامات تأمینی به تصویب رسید و برخلاف نظرات مکتب تحقیقی، اجرای مجازاتهای تأمینی، به ارتکاب جرم از ناحیه مجرم موکول شد. همچنین، تصویب قانون تعلیق اجرای مجازات و مجازات جایگزین حبس تحت تاثیر افکار مکتب تحقیقی صورت گرفت. برخی بازپروری را عمل تربیت و اصلاح بزهکاران و آماده کردن آنها برای بازگشت به جامعه تعریف کرده‌اند. ناتوان‌سازی و اصلاح و درمان هر دو رویکردهای ناظر به پیشگیری از جرم در آینده محسوب می‌شوند. ناتوان‌سازی با ایجاد محدودیت در راه بزهکار بالقوه صورت می‌گیرد، به‌گونه‌ای که بزهکار را ناتوان از ارتکاب جرم سازد. بازپروری در پیشگیری از ارتکاب جرم در آینده، امیدوار به اصلاح شخصیت بزهکاران است. همین آرمان اصلاح و درمان است که مجازاتهای فردی و توجه به شخصیت بزهکار و نه شدت جرم را در دستور کار حقوق کیفری قرار داده است (مهر، ۱۳۸۶، ۷۱). بدین ترتیب مدل بازپرورانه بر مبنای نیازهای مجرمین بنا شده است و به متخصصان بالینی اختیارات گسترده‌ای در این جهت اعطاء می‌کند. رسالت بازپروری بزهکار باعث شد تا ابزارها و وسایل به کار رفته در این فرایند با توجه به جرایم ارتكابی و بزهکاران متفاوت شود، زیرا گاه نرمش، بهتر موفق می‌شود تا شدت عمل و سختگیری. به منظور رسیدن به این دو هدف، جرم‌شناسی باید قادر باشد پیش بینی کند که احتمال ارتکاب جرم توسط کدام یک از بزهکاران وجود دارد. چنین افرادی باید توسط کارشناسان شناسایی شده و برای پیشگیری از ارتکاب جرایم بعدی مورد اصلاح و درمان قرار گیرند (ابراهیمی، ۱۳۹۱، ۱۵۳).

۳-۱. مکتب دفاع اجتماعی

دفاع اجتماعی از اواخر قرن نوزدهم خطوط اساسی سیاست جنایی کشورهای اروپایی را در زمینه مبارزه علمی با بزهکاری ترسیم کرد. بنیانگذار و مؤسس مکتب دفاع اجتماعی نیز به نوعی همان مکتب تحقیقی است که اعتقاد به دفاع از جامعه داشته و با اعمال اقدامات تأمینی موافق بود.

در مرحله نخست، دفاع اجتماعی می‌خواهد که وسایل مبارزه با جرم به‌طور کلی مجموعه‌ای تلقی شود که هدفش تنبیه خطاکار و اعمال مجازات برای نقض عمدی قاعده حقوقی نیست، بلکه هدف آن حمایت جامعه از اعمال مجرمانه است (بولک، ۱۳۸۵، ۵۱).

غرض دفاع اجتماعی آن است که با مجموعه‌ای از تدابیر که معمولاً خارج از قلمرو حقوق کیفری سنتی است و برای بی‌آزار کردن مجرم به‌کار می‌رود، از جامعه حمایت کند. می‌توان گفت که دفاع اجتماعی پیش از همه، راهی برای تأمل و تجدید نظر در مسائل اساسی حقوق کیفری با استمداد از این چند فکر اساسی است که بنای فلسفی نظام دفاع اجتماعی را تشکیل دهد. به نظر می‌رسد در ایران قانون اقدامات تأمینی و محاکم اطفال و آزادی مشروط و تا حدی تعریف مسؤلیت کیفری مقتبس از دفاع اجتماعی است. از سویی تصویب قانون جایگزین حبس و به‌خصوص قانون خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان جایگزین حبس، نمونه‌ای از اقدامات نظام حقوقی ایران در پیروی از مکتب دفاع اجتماعی باشد (حسینی نژاد، ۱۳۷۰، ۱۳۸).

۴-۱ عدالت ترمیمی

تضمین حقوق شهروندان و اجرای عدالت کیفری، از وظایف اساسی نظام عدالت کیفری است. اگر تحقق این هدف امکان‌پذیر نباشد، با بحران مواجه هستیم و باید راهی برای ترمیم و اصلاح عدالت کیفری بیابیم (حبیب زاده، ۱۳۸۳، ۱۳۹). مقررات کیفری و به عبارتی حقوق کیفری در جوامع بشری، بیش از چهار هزار سال قدمت دارد (اکبری رومنی، ۱۳۷۹، ۸۷)، لیکن حقوق کیفری مدرن و امروزی، به‌عنوان رشته‌ای نظام‌مند و دارای اصول و قواعد کلی ناظر به جنبه‌های شکلی و ماهوی مستقل از هم که در چارچوب مجموعه‌هایی به نام قانون‌نامه (کُد) تدوین و هماهنگ شده‌اند، عمری حدود دو قرن دارد. عده‌ای از حقوقدانان، انسجام و نظام‌بخشی حقوق کیفری را بیشتر مرهون اندیشه‌ها و دیدگاه‌های سزار بکاریای ایتالیایی می‌دانند که در اعتراض به حقوق کلیسایی و محتوا و کیفیت اعمال عدالت کیفری شرعی توسط روحانیون کاتولیک مطرح شده بود و در کتابی با عنوان رساله جرایم و مجازات‌ها منعکس و در سال ۱۷۶۴م، منتشر گردید (پرادل، ۱۳۸۱، ۳۷). این اثر کوچک، در اروپا و سپس در سایر کشورها موجب انقلاب کیفری شد که از بطن آن رویکردهای نوینی نسبت به بزه، بزهکار و کیفر به وجود آمد (بریث ویت، ۱۳۸۵، ۵۲۷). یکی از تعاریف پذیرفته شده برای عدالت ترمیمی، تعریف تونی مارشال، نویسنده و جرم‌شناس انگلیسی است، که می‌گوید: «عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن کلیه کسانی که در خصوص یک جرم خاص سهمی دارند، گردهم می‌آیند، تا به‌طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن

برای آینده راه‌حلی بیابند» (رایت و همکاران، ۱۳۸۴، ۴۵). عدالت ترمیمی، مدلی از عدالت است که بر پایه ترمیم و جبران استوار است (شیری، ۱۳۸۵، ۲۲۶).

۱-۵ رویه قضایی

از دیرباز در نظام‌های حقوقی نقش رویه قضایی به‌عنوان یک منبع حقوقی مورد بحث و موجب افتراق بوده است. برخی آن را سازنده و موجد قاعده حقوقی می‌دانند و بدین منظور از اصول ۱۶۷ و ۷۳ قانون اساسی استمداد می‌جویند. پاره‌ای دیگر از حقوقدانان منکر نقش خلاق رویه هستند. اینان نظر خود را با توسل به اصل ۵۷ قانون اساسی و نیز مواد ۵ و ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی استحکام می‌بخشند.

رویه در لغت به معنای نظر، تفکر در امور، فکر و تأمل در کار و اندیشه است. قضاء در لغت به معنای حکم کردن، ادا کردن، گزاردن و روا کردن است (عمید، ۱۳۷۶، ۶۶۹ و ۹۴۱). در اصطلاح به آراء هیئت عمومی دیوان عالی کشور که پیروی از آن برای تمام دادگاهها الزامی است آراء وحدت رویه می‌گویند، اما منظور از رویه قضایی طرز کار و نحوه عمل و نهایتاً درک و استنباط قضات دادگاهها از قوانین است (واحدی، ۱۳۹۴، ۱۹۵). رویه قضایی به معنای خاص خود در جایی به‌کار می‌رود که محاکم یا دسته‌ای از آنها در باب یکی از مسائل حقوقی روش یکسانی در پیش گیرند و به اندازه‌ای آراء راجع به آن مسئله تکرار شود که بتوان گفت هرگاه محاکم با چنین مشکلاتی روبرو شوند، همان تصمیم را خواهند گرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ۲۰۰). رویه قضایی در مفهوم فنی به راه‌حلی اطلاق می‌شود که به‌طور معمول دادگاهها در برخورد با یک مسئله حقوقی ارائه می‌کنند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۷۷، ۴۴).

با بررسی مبانی پژوهش مشخص می‌شود که روند تعدیل تفکرات کیفرگرا و اصلاح ساختار آسیب‌زای حبس، باعث شده در ایران نیز استفاده از جایگزین‌های حبس در دستور کار قرار گرفته و قانون‌گذار ایرانی تقریباً پنج درصد از مواد کتاب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ را به این دست از مجازات‌ها اختصاص داده است. ولی آنچه بایستی بدان توجه کرد این است: مجازات‌های جایگزین در ایران سابقه اجرایی نداشته و ممکن است در عمل در اجرای آنها مشکلاتی به وجود آید. از این رو، براساس قانون مجازات اسلامی ایران که یک قانون ترکیبی است و بررسی ۲۴۵ قانونی که در این زمینه در فاصله بین سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸ به تصویب رسیده است (حبیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۰، ۵۹)، در این پژوهش تلاش می‌شود تا به چالش‌ها و راهکارهای اجرای مجازات‌های جایگزین حبس پرداخته شود.

۲. چالش‌های فراروی خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس

عمده‌ترین چالش‌های مجازات‌های جایگزین حبس را می‌توان در چهار دسته فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تعریف نمود. هر یک از این چالش‌ها می‌تواند نقش مهمی در اجرای صحیح و کامل مجازات‌های جایگزین حبس نظیر، خدمات عام‌المنفعه داشته باشد.

۱-۲. چالش‌های فرهنگی

۱-۱-۲. فرهنگ عمومی:

مجازات‌های جایگزین حبس که مدتی است در قانون مجازات اسلامی به تصویب رسیده است، برای اینکه دوام داشته باشند و به مواد قانونی متروک تبدیل نشود باید منطبق با فرهنگ عموم جامعه باشند. در غیر این صورت، امکان دارد که به موادی متروک و بی‌اثر تبدیل شده، یا امکان تغییر قوانین تازه به تصویب رسیده وجود دارد. از میان مصادیق مجازات‌های جایگزین حبس، تنها خدمات عمومی رایگان است که با توجه به نوع مجازات شیوه اجرای آن در بین عموم مردم ممکن است؛ از آنجا که مطابق قانون محکوم کردن مجرم به این نوع از مجازات (خدمات عمومی رایگان) منوط به رضایت مجرم است، و نظر به اینکه انتخاب آن از طرف مجرم باعث می‌شود تا مجرم تمام دوران محکومیت خود را در مقابل دیدگان مردم سپری نماید، اعمال این روش مجازات سبب می‌شود تا مردم به راحتی اقدام به زدن برچسب مجرمیت به مجرم نمایند، از این رو، مجرم تمایل چندانی به انتخاب این نوع از مجازات نشان نخواهد داد. در نتیجه می‌توان برچسب زدن را به‌عنوان یکی از موانع اجرایی مجازات‌های جایگزین حبس به شمار آورد.

فرهنگ استفاده از مجازات‌های جایگزین در جامعه و از جمله دستگاه قضایی نهادینه نشده است و تعداد جرایمی که مشمول این مجازات‌ها می‌شوند زیاد نیست. یکی از دلایل صدور احکام حبس، عقاید، افکار و احساسات مردم است؛ زیرا توده‌های مردم اغلب تمایل به کیفرهای سخت و خشن دارند و حبس را برای مجرم ضروری و لازم می‌شمارند. از این رو، دادگاهها نیز تحت تأثیر همین عامل (عوام‌گرایی) به حبس هر چه بیشتر محکومان اقدام می‌نمایند (آشوری، ۱۳۸۲، ۴۸). در صورت فرهنگ‌سازی عمومی به صورت آموزش در مدراس و دانشگاه‌ها و تبلیغ از طریق رسانه‌ها، قضات دادگاهها در خصوص مجازات‌های جایگزین حبس بهتر می‌توانند اتخاذ تصمیم نمایند. وقتی مردم با صدور این‌گونه احکام مشکلی نداشته باشند، در اجرای آنها نیز با موانع و ایرادات کمتری مواجه خواهیم بود.

مطابق نظریه تأخر فرهنگی، تأخر فرهنگی یکی از نکته‌های مهم پویایی‌شناسی فرهنگی است که در اصطلاح نوعی عدم تعادل فرهنگی به حساب می‌آید، و به معنای تمایز اجزا یک فرهنگ از نظر آهنگ حرکت آنان است (ساروخانی، ۱۳۸۰، ۱۷۳). نظریه تأخر فرهنگی در مورد مجازات‌های جایگزین حبس یعنی اینکه قوانین مجازات‌های

جایگزین حبس به وجود آمده است اما هنوز فرهنگ مواجهه با این پدیده به وجود نیامده است. عامه مردم، فرهنگ پذیرش و مواجهه با محکومین به خدمات عمومی رایگان را نداشته و نسبت به آنان رفتار مناسبی از خود نشان نمی‌دهند.

۲-۱-۲. قضات محافظه کار سنتی:

هر چند، قانونگذار ایران مبتنی بر رویکردهایی همچون کیفرزدایی، قضازدایی و جرم‌زدایی و متأثر از تحولات و رویکردهای بین‌المللی پیرامون حبس و معایب آن، در قوانین کیفری مصوب ۱۳۹۲ قوانین مجازات اسلامی و آیین دادرسی کیفری، به صورت روشن و ویژه‌ای برای کاهش جمعیت کیفری حبس و کاستن معایب حبس، گام برداشته است، اما ناگفته پیداست که کارآمدی این تدابیر در ایران، قبل از هر چیز، نیازمند بسترسازی حقوقی و از همه مهمتر فرهنگ‌سازی قضایی و اجتماعی است. قضات نقش عمده‌ای در اعمال مجازات‌های جایگزین حبس دارند؛ به‌گونه‌ای که اگر کاملترین و جامع‌ترین قانون مدون در اختیار عاملین بی‌تدبیر قرار گیرد، امکان اجرا و بهره‌برداری صحیح و مطلوب از قانون متصور نخواهد بود (بختیاری و همکاران، ۱۳۸۱، ۲۹). نقش قضات در اجرای قانون به حدی است که می‌توانند یک قانون را متروک نموده یا با تسری یک قانون به مواردی که در زمان وضع آن قانون اصلاً وجود خارجی نداشته است در عمل اقدام به جرم‌انگاری کنند. قضات موافق حبس معتقدند که با اجرای مجازات سالب آزادی، مرتکب برای مدتی از جامعه طرد شده و خطر او برای جامعه از بین می‌رود و در این صورت نظم عمومی که به وسیله ارتکاب جرم او از بین رفته بود، برای اجتماع اعاده می‌شود. اطمینان به بازدهی مجازات حبس چنان در میان قضات شکل گرفته و نهادینه شده که به نتایج مجازات‌های جایگزین حبس اطمینان چندانی ندارند (حاجی تبار فیروزجائی و صفاری، ۱۳۸۶، ۱۱)؛ آنان اثرات مخرب حبس را نادیده می‌گیرند. این قضات اکثراً از تحصیلات بسیار بالا برخوردار نبوده و تمایلی به شناخت مکاتب علمی و نظرات دانشمندان جرم‌شناسی ندارند.

۲-۱-۳. غفلت از وحدت رویه یا بی‌توجهی به مواد قانونی موجود و مرتبط با مجازات خدمات عمومی رایگان (خدمات عام‌المنفعه) به عنوان جایگزین حبس در آرای قضات:

موانع و تحدیدات عدیده تقنینی و خلاءها و ابهامات موجود در قانون مجازات اسلامی ناظر بر مجازات‌های جایگزین حبس و نارسایی و ناکارآمدی آئین‌نامه اجرایی این مجازات سبب شده که به قضات تمایل چندانی اعمال جایگزین-های نوین حبس از خود نشان ندهند. در صورتی که قاضی با توجه به دانش خود و مقتضیات پرونده می‌تواند تفسیری از قانون ارائه نماید که در عین اینکه معارض با روح قانون نیست، در جهت بازگشت بزهکار به جامعه و بازپروری او باشد. اما با بررسی احکام و آرای بعضی از آرای قضات مشخص می‌شود که به‌راحتی از این ظرفیت قانونی چشم‌پوشی می‌شود.

براساس قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و آیین نامه موضوع ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی، هدف از اعمال مجازاتهای جایگزین اصلاح و بازپروری بزهکار و کاهش جمعیت کیفری زندانها است و قاضی می‌تواند برای جرایمی حکم مجازات خدمات عام‌المنفعه یا جایگزین حبس صادر کند. اما در بررسی آرای صادره و تجزیه و تحلیل پرونده‌های موجود، به عنوان یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که برخی جرایم متداول نظیر ایراد صدمات بدنی غیر عمدی، قتل غیر عمدی ناشی از تصادفات رانندگی، رانندگی بدون پروانه رسمی، تصرفات عدوانی، مزاحمت برای بانوان در اماکن عمومی، مزاحمت تلفنی، نگهداری اسلحه و مهمات جنگی به صورت غیر مجاز، شکار و صید بدون مجوز و جرایم علیه محیط زیست و ... که مجازات‌های آن قابلیت و امکان صدور حکم به خدمات عام‌المنفعه دارد. به وفور، نادیده انگاشتن برخی متغیرهای مهم همچون: نوع جرم، سن، جنس، وضعیت شغلی و تأهل مرتکب، از سوی قضات مشهود است، این موارد را می‌توان نتیجه کم اطلاعی و عدم درک درست قضات نسبت به مزیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ضعف و نا آشنایی و عدم توجه نسبت به تحولات در سیاست‌های کیفری جدید موثر در کاهش جمعیت کیفری افراد محبوس و لزوم دوری جستن و فاصله گرفتن با سیاست‌های سخت‌گیرانه کم اثر و اهمیت، ضرورت و اهداف جایگزین‌های حبس، بویژه خدمات عام‌المنفعه به عنوان یکی از نوآوری‌هایی حقوقی و رویکردهای اصلاحی مفید و موثر قضایی جهت دستیابی کم هزینه تر به اهداف اصلاح، درمان، جامعه پذیر کردن و بازاجتماعی کردن مجرمین کم خطر و همچنین مشکلات اجرایی و کمبودهای سخت‌افزاری دانست.

۲-۲. چالش‌های اقتصادی

۲-۲-۱. چالش‌های اقتصادی جایگزین‌های حبس:

در رابطه با اجرای مجازاتهای جایگزین حبس، یکی از زمینه‌هایی که بایستی مورد مطالعه دقیق قرار بگیرد، شناسایی مشکلات و موانع اقتصادی است که بر سر راه اجرای مجازاتهای جایگزین حبس وجود دارد، تا براساس آنها بتوان در مسیر رفع مشکلات مزبور گام برداشت. مجازاتهای جایگزین حبس از نظر اقتصادی مقرون به صرفه هستند و در مواردی برای دولت منافع اقتصادی به همراه دارند، اما همواره مشکلات اقتصادی از قبیل فقدان سرمایه‌گذاری در مجازاتهای جایگزین حبس، هزینه افزایش تعداد کارمندان، نقصان ارگانهای قضایی، وارد کردن تجهیزات و تکنولوژی مجازاتهای جایگزین حبس، معضل بیکاری و مشکل مسکن وجود دارد. در مجازاتهای جایگزین حبس، در دوره مراقبت از تجهیزات الکترونیکی استفاده می‌شود اما سرمایه‌گذاری مادی در این زمینه صورت نگرفته است. همچنین در مجازاتهای جایگزین حبس، سرمایه‌گذاری انسانی با نقصان مواجه است. در صورتی که سرمایه‌گذاری نیروی انسانی در نهاد قضا، از طریق جذب نیروی انسانی جدید و آموزش نیروی انسانی موجود، باعث بهبود کیفیت در نهاد مزبور می‌شود و اجرای مجازاتهای جایگزین توسط قضات و کارمندان کارآمد، مشکلات به مراتب کمتری دارد.

۲-۲-۲. بحران بیکاری در خدمات عمومی رایگان (خدمات عام‌المنفعه):

یکی از موانع اجرای مجازات جایگزین حبس (خدمات عمومی رایگان)، کمبود اشتغال و فرصت‌های شغلی و کاری است؛ وقتی در جامعه‌ای بحران اقتصادی و مالی است به همان اندازه اشتغال‌ورزی برای عموم مردم کمتر می‌شود و به طریق اولی برای محکومین به مجازات‌های جایگزین حبس (خدمات عمومی رایگان) نیز شغلی وجود نخواهد داشت، تا از این طریق محکومیت خود را در کار خدمات عمومی رایگان بگذرانند. کمبود شغل و اشتغال سبب می‌شود تا مجرمینی که محکوم به حبس (خدمات عمومی رایگان) می‌گردند فرصتی برای انجام فعالیت به‌جای تحمل مجازات حبس نداشته باشند (جعفری، ۱۳۹۹، ۷۳).

۲-۲-۳. کاستی‌ها و ضعف نهادها و سازمان‌های قضایی و حقوقی به‌خاطر کمبود منابع مالی:

گرچه قانونگذار در پی احتراز از آسیب‌های حاصل از حبس و ساختار آن، با مصوب ۱۳۹۲، نهادهای کیفری نوینی را پیش‌بینی نموده و فصلی را به مجازات‌های جایگزین حبس اختصاص داده است، اما این تغییرات در عرصه سیاست جنایی تقنینی و اجرایی به تنهایی کافی نبوده و برای حصول نتیجه، سیاست جنایی قضایی نیز باید خود را با نگاه جدید قانونگذار هماهنگ نماید. در اجرای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در نهادهای قضایی مرتبط با مجازات‌های جایگزین حبس کاستی‌هایی دیده می‌شود. مهمترین مشکل کمبود نیروهای متخصص در زمینه صدور و اجرای حکم و عدم وجود ناظران مجرب در امر نظارت بر مجرمین در زمان اجرای مجازات‌های مورد نظر است. در حوزه صدور احکام مجازات‌های اجتماعی به‌ویژه کیفر خدمات عام‌المنفعه، سازمان‌های تخصصی و کارشناسان تخصصی آموزش دیده‌ای وجود ندارد. مشکل دیگر، تعداد زیاد سازمان‌های متولی در حوزه اجرای مجازات کار عام‌المنفعه و عدم توجه به ظرفیت نهادها و شوراهای محلی تأثیرگذار است.

۲-۳. چالش‌های سیاسی و اجتماعی

۲-۳-۱. چالش‌های سیاسی و اجتماعی در اجرای مجازات جایگزین حبس:

هر چند اصل نهم و بند ۱۴ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، و معاهدات بین‌المللی بر رعایت حقوق و آزادی‌های فردی تأکید دارند. اما مطالعات نشان می‌دهد، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی آشتی‌ناپذیر گروه حاکم، ضعف حکومتها و اعمال مجازات‌های شدید برای جبران آن، فقدان دموکراسی، سیاست کیفری سخت‌گیرانه غیرعلمی، عوام‌گرایی کیفری و ترس از به مخاطره افتادن امنیت کشور و مردم در جامعه را می‌توان از موانع و چالش‌های سیاسی اجرای مجازات‌های جایگزین حبس دانست.

اگر هدف نظام عدالت کیفری براساس مدل کنترل جرم، سرکوب رفتار مجرمانه با اولویت دادن به ارتقای کمی و کیفی امنیت اشخاص و اموال و مبارزه سریع و قاطع علیه مجرمان در نظر گرفته شود، تدابیر اتخاذی سخت‌گیرانه

تلقی خواهند شد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲، ۱۶). سیاست کیفری سخت‌گیرانه در بعد غیرعلمی مبتنی بر جهت‌گیریهای سیاسی، بازتاب جرایم در رسانه‌ها به جای مطالعه آماری آن و قائل شدن نقش اساسی برای افکار عمومی بوده و تحت عنوان سخت‌گیری کیفری عوام‌گرا یا سیاست‌زده مطرح گردیده است. از آنجایی که در سیاست کیفری سخت‌گیرانه در بعد غیرعلمی، جهت‌گیریهای سیاسی و افکار عمومی نقش دارند، این نوع سیاست کیفری مانعی بر سر راه اجرای مجازاتهای جایگزین حبس خواهد بود. زیرا مجازات حبس، راهی برای نهادینه شدن سیاست‌های کیفری عوام‌گرا برای سرکوب مردم در جهت بقای حکومت است و افکار عمومی بیشتر به این مجازات گرایش دارد. سیاست‌های کیفری نهادینه شده و عوام‌گرایی کیفری مانند عوام‌گرایی سیاسی نسبت به اصول دموکراسی مبتنی بر نمایندگی، بدبین است. از این دیدگاه، مداخله مجلس قانونگذاری در سیاستگذاری سبب می‌شود دیدگاه‌های مردم در سیاست‌ها گنجانده نشود. چه بسا، نمایندگان مجلس سیاست‌هایی را تصویب کنند که با خواست عمومی جامعه سازگاری و تفاهم نداشته باشد. این رویکرد بر این پیش فرض استوار است که مردم باورهای هماهنگ و یکسانی در زمینه شیوه کنترل جرم و بی‌نظمی دارند. تأثیرپذیری از فضای احساسی و هیجانی حاکم بر اجتماع، یکی از ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گراست (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲، ۱۳۹).

۳. راهکارهای اجرای مجازات خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس

در بحث چالش‌های مجازاتهای جایگزین حبس، به چالش‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اشاره شد. توجه به راهکارهای متناظر با هر یک از این چالش‌ها می‌تواند نقش مهمی در اجرای صحیح و کامل مجازاتهای جایگزین حبس نظیر خدمات عام‌المنفعه داشته باشد.

۳-۱. فرهنگ‌سازی برای اجرای مجازات خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس:

بسیاری از افراد جامعه حبس‌زدایی را مترادف با آزاد گذاشتن مجرم و بی‌عدالتی دادگاهها قلمداد می‌کنند. پس لازم است برای عموم مردم و قضات در راستای اجرای مجازاتهای جایگزین حبس به طرقی همچون: بسترسازی، آموزش، تبلیغات گسترده در رسانه‌ها و... فرهنگ‌سازی صورت گیرد. برای مثال در خدمات عام‌المنفعه، دستگاهها باید با دقت انتخاب شوند تا با نوع جرم فرد تناسب داشته باشد، علاوه بر این، باید توجه شود که حضور فرد در اجتماع سبب برچسب‌زنی و رسوایی بیشتر وی نشود. مجریان و دست‌اندرکاران دستگاهی که فرد محکوم در آن خدمت می‌کند باید آمادگی لازم را برای پذیرش و حضور محکوم داشته باشند (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴، ۲۸).

۳-۲. آشناسازی و آموزش قضات دادگاهها در زمینه مفاهیم کیفرشناختی جهت صدور مجازات متناسب:

آموزش قضات، از وظایف قوه قضاییه است و می‌بایست توسط یک نهاد یا شورای قضایی مستقل انجام شود. جهت کسب شرایط استخدام یا پس از استخدام، قضات آموزش‌های اولیه را دریافت می‌دارند و پس از انتصاب نیز

تا پایان دوران تصدی خود تحت آموزش مستمر می‌باشند. با هدف افزایش راندمان دادگاهها، لازم است قضات مهارت‌هایی را در ابتدا یا در طول دوران تصدی خود کسب کنند (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴، ۱۳).

۳-۳. هدایت و تشویق قضات به ارفاق:

توجه به مسالمت و تواضع به‌جای سختگیری در صدور رای، استفاده از دستورهای موکدی که در فرهنگ ما قاضی را به داشتن صبر و بردباری و پیروی از عدل و انصاف سفارش می‌نماید از نمونه‌های تشویق و ترغیب قضات به رای دادن به مجازات‌های جایگزین حبس به‌خصوص خدمات عمومی رایگان است (مهدوی پور و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۹۹).

۳-۴. فرهنگ‌سازی اختصاصی قضات:

افزایش آگاهی قضات و به تبع آن فرهنگ‌سازی در این زمینه از مباحث مهمی است که بایستی گام به گام انجام شود. در فرهنگ‌سازی اختصاصی قضات، سنت‌زدایی از قضات سنت‌گرا ضروری است؛ گام بعدی در فرهنگ‌سازی قضایی، آموزش‌های حقوقی قضایی قضات است. ایجاد و راه‌اندازی دوره‌های آموزشی با موضوعات آشنایی با مجازات‌های جایگزین حبس کمک شایانی به استفاده هر چه بیشتر مجازات‌های جایگزین حبس می‌نماید. تا زمانی که قضات در زمینه صدور مجازات‌های جایگزین حبس توجیه نگردند، هر مقدار هم توصیه صورت بگیرد بازده عملی نخواهد داشت. توجیه قضات از طریق بررسی نحوه اعمال مجازات‌های جایگزین حبس سبب می‌شود که قضات به سمت مجازات‌ها نوین بروند و برای آنها محرز شود که با این روشها مجرم از جامعه دور نبوده و با حضور و ارتباط خود در کنار نهاد خانواده، بستر مناسبی جهت بازاجتماعی کردن وی فراهم می‌شود.

۳-۵. شناسایی رویه قضایی دادگاهها و لزوم انتشار آراء:

شرایط ایجاد رویه قضایی با عرف جمعی ارتباط گسترده‌ای دارد. باید دادگاهها ترغیب شوند تا در برابر مسئله حقوقی معین از راه‌حل خاص حقوقی استفاده کنند. برای یکسان شدن رویه دادگاهها، انتشار آرای آنها البته یکی از روشها است؛ تا زمانی که دادرسان و وکلای دادگستری از روش کار هم و تصمیم‌های دیوان‌عالی آگاه نشوند نباید انتظار رویه‌های ثابت و متقن داشت. یکی از مهمترین دلایل ناتوانی رویه قضایی در کشورهای در حال توسعه این است که رأی دادگاهها به صورت خاص و به شکل کامل، در معرض نقد و قضاوت همکاران آنها و سایر حقوقدانان قرار نمی‌گیرد و آراء از طرف هیچ مقامی ارزیابی علمی - حقوقی نمی‌شود.

ضروری است راهکارهایی برای انتشار آرای قضایی در نظر گرفته شود. برای این منظور می‌توان یک سایت اینترنتی تحت نظارت قوه قضاییه - دیوان عالی - ایجاد و همه شعب دادگاههای کشور ملزم به همکاری با این سایت شوند، به نحوی که هر شعبه بدوی و تجدید نظر در دادگستریها و دیوان عدالت اداری، هر ماه تعداد معینی از آراء

خود را جهت انتشار در اختیار دادستان کل قرار دهد. همچنین، ضروری است، برای نقد آرای قضایی کشور توسط حقوقدانان، ماهنامه‌ای منتشر و وظیفه خود را ایفا کند (جاوید و شاهمرادی، ۱۳۹۴، ۱۶)؛ باید توجه داشت که کنشگران حقوقی به‌ویژه قضات دادگاهها در رابطه با صدور حکم خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان مجازاتهای جایگزین زندان تحت تأثیر رویه‌های قضایی به مثابه منبع قاعده‌ساز حقوق قرار دارند.

۳-۶. راهکار سیاسی مجازات جایگزین حبس:

توجه حاکمیت و قضات به شیوه نوین تربیتی مجرم، یعنی استفاده از خدمات عمومی رایگان به‌عنوان بارزترین نمونه مجازاتهای اجتماع محور، همسو با توسعه مفاهیم حقوق بشری و استفاده از عدالت ترمیمی می‌تواند راهکار سیاسی مناسبی برای مجازات جایگزین حبس باشد. عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می‌کند. عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ (واکنش) به آن است (زهر، ۱۳۸۸، ۱۹). عدالت ترمیمی فرآیندی است که در آن کلیه کسانی که در خصوص یک جرم خاص سهمی دارند، گرد هم می‌آیند، تا به‌طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده راه‌حلی بیابند (بریث ویت، ۱۳۸۵، ۵۴۵).

با اعمال مجازاتهای جایگزین حبس اهداف عدالت ترمیمی برآورده می‌شود. مجازات سالب آزادی با حقوق بشر در تناقض بوده و به آن آسیب وارد می‌نماید؛ حبس نوعی تنبیه بدنی است که به تمامیت جسم و روح محکوم آسیب وارد می‌نماید و هویت او را دگرگون می‌کند. با حبس متهم به حقوق خانواده او نیز آسیب وارد می‌شود. با حبس مجرم اطرافیان او نباید توان پس دهند؛ با اجرای مجازات حبس خانواده بزهکار با مشکلات عدیده روحی و روانی، اقتصادی و اجتماعی مواجه می‌شوند (میری دلماس، ۱۳۹۳، ۸۸).

۳-۷. راهکارهای اقتصادی مجازاتهای جایگزین حبس:

در هنگام تدوین قوانین باید به ابعاد اقتصادی آنها هم توجه شود. در نظر داشته باشیم که، تحولات اقتصادی می‌تواند سبب رویگردانی نظام عدالت کیفری از سیاستهای کیفری سختگیرانه به سیاستهای اصلاح، درمان و پیشگیری شود. جهت اجرای مجازاتهای جایگزین حبس، در مواردی که مانع اقتصادی، سد راه است باید از راهکار اقتصادی متناسب با آن مانع استفاده گردد. راهکارهای اقتصادی اجرای مجازاتهای جایگزین حبس، مواردی نظیر: سرمایه‌گذاری، راهکار مرتبط با نقصان ارگانهای قضایی و حقوقی، تولید تجهیزات الکترونیکی مجازاتهای جایگزین حبس و ایجاد اشتغال برای محکومین است. اجرای صحیح و موفق تمام مصادیق مجازاتهای جایگزین حبس به سرمایه‌گذاری کافی و مناسب نیاز دارد و ایجاد چنین روش‌هایی بدون در نظر داشتن برخی منابع مالی امکان‌پذیر نیست.

۳-۸. ایجاد اشتغال برای مجرمین و محکومین:

ایجاد شغل برای مجرمین پایه اصلی اصلاح و بازپروری مجرم است. او در این راه استعدادها و تواناییهای خود را پیدا می‌کند. بدین صورت که با وجود فرصتهای شغلی در جامعه و رونق اقتصادی کشور، فرصتی پیدا خواهد شد تا محکومان به مجازات خدمات عمومی رایگان، بتوانند به جای تحمل مجازات حبس، به فعالیت در این نوع خدمات پردازند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی و شناسایی چالش‌های فراروی خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان جایگزین حبس و ارائه راهکارهایی جهت برون‌رفت از این چالش‌ها، انجام شد. بر اساس مطالعات صورت گرفته و یافته‌های پژوهش می‌توان گفت: استفاده بی‌رویه از حبس، با توجه به ناکارآمد بودن این مجازات در اصلاح و بازپروری و اجتماعی کردن افراد در حبس، همچنین به دلیل جرم‌زا بودن محیط حبس، هزینه زیاد اقتصادی حبس، مشکلات بهداشتی و روانی موجود در آن و... باعث تحقق اهداف سیستم قضایی و جرم‌زدایی نشده است، و از موانع و چالش‌های مهم رویکرد نوین خدمات عام‌المنفعه به جای حبس است.

هدف اصلی اعمال مجازاتهای جایگزین حبس و خدمات عام‌المنفعه تحقق عدالت ترمیمی، بازپروری مجرم و بازیکپارچگی اجتماعی مجرم است. خدمات عمومی رایگان یک مجازات اجتماعی ارزشمند است که می‌تواند باعث بازپروری، اصلاح و درمان و بازسازگاری اجتماعی مجدد محکوم علیه از طریق اجتناب از آثار سوء محکومیت شود. مجرم با اعمال خدمات عمومی رایگان به‌عنوان مجازات جایگزین حبس، قواعد زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرد و سعی در اصلاح رفتار گذشته خود دارد؛ اجرای منظم، هدفمند و همراه با مسئولیت یک کار خدمات عمومی رایگان و تضمین لازم جهت جبران خسارت و ترمیم آن به وسیله مجرم، آثاری جزء اصلاح و درمان او و جامعه ندارد. دیگر هدف اعمال مجازات جایگزین، کاهش جمعیت کیفری در حبس و عواقب وخیم آن است. اجتناب از برجسب مجرمانه به برخی از مجرمینی که برای اولین بار مرتکب هنجارشکنی و جرم شده‌اند، بیدار کردن حس مسئولیت‌پذیری مجرم، مشارکت مدنی و جبران خسارت وارد بر بزه‌دیدگان، از دیگر اهداف این مجازات محسوب می‌شود.

جهت تحقق این اهداف، در دهه اخیر در نظام کیفری ایران، با نوآوری در فصل نهم قانون مجازات اسلامی، چندین ماده به موضوع مجازات جایگزین حبس و شیوه صدور آراء و اجرای آن اختصاص یافت تا مجازاتها براساس نظرات جرم‌شناسی به‌خصوص عدالت ترمیمی اعمال شود. اما این رویکرد در رویه قضایی دادگاهها، در اجرا و عمل با چالش‌ها و موانع فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و سیاسی روبرو بوده که نیل به هدف بازپروری مجرم را با مشکل مواجه می‌سازند؛ به نظر می‌رسد سیاست‌های کلان مرتبط با مجازات خدمات عمومی رایگان

به‌عنوان جایگزینی برای حبس و کاهش جمعیت در حبس، با اهداف ذاتی این مجازات جامعه‌محور، تناسب نداشته و در نهایت زمینه‌ساز شکل‌گیری چالش‌های متعدد بوده است. این عدم‌سنخیت و تناسب را می‌توان تحت دو مقوله عدم شناسایی کنشگران متناسب با ماهیت مجازات و نیز عدم شناسایی بسترهای متناسب با ماهیت مجازات عنوان نمود.

از دیدگاه جامعه‌شناسی جنایی، تفکر حاکم بر دستگاه قضایی و نوع نگرش و ذهنیت قضات می‌تواند در اجرای احکام مؤثر واقع شود؛ قضات نقشی حیاتی در بهبود شرایط اجتماعی مجرمان دارند و ایجاد رویه قضایی در دادگاهها می‌تواند بر نظام قانونی اثرگذار باشد. نگرش قضات محافظه‌کار سنت‌گرا و دیدگاه‌های حبس‌گرایانه عامه مردم (سیاست کیفری عوام‌گرا) را می‌توان جزو چالش‌های فرهنگی مؤثر بر تعیین نوع مجازات مجرم تلقی نمود که می‌تواند متأثر از رویه قضایی باشد. رأی قضات محافظه‌کار سنت‌گرای طرفدار اعمال مجازاتهای سخت و خشن به‌خصوص حبس از عواملی همچون: نظام آموزشی کیفری گذشته در دانشکده‌های حقوق، پایین بودن میزان و سهم یافته‌های علوم جنایی تجربی در این نظام، حاکمیت قاضی دادگاه بدون الزام به پاسخگویی، نبود قوانین قوی در این زمینه اثر پذیرفته است (عابدی نژاد مهرآبادی، ۱۳۸۶، ۱۱۶). پس با ایجاد رویه قضایی، می‌توان قضاتی را که اعتقادی به استفاده از مجازاتهای جایگزین حبس ندارند، مجاب کرد تا بیشتر مجازاتهای جایگزین حبس را در احکام خود بکار گیرند، و توجیه شوند که سیاست‌های کیفری عوام‌گرا معمولاً سختگیرانه، عامه‌پسند، نمایشی و احساسی بوده، و فاقد مبانی نظری و علمی محکم است. قضات دادگاه اجرای احکام مجازاتهای جایگزین حبس بایستی از دانش و تخصص لازم برخوردار باشند تا بتوانند در چهارچوبی معین، در مجازاتهای تعیین شده دخل و تصرف نمایند. کنشگران حقوقی و قضات باید از طریق رویه‌های قضایی به‌مثابه منبع قاعده‌ساز حقوق توانمند شوند، در دوره‌های ضمن خدمت بیاموزند، با حقوق عمومی آشنا شوند و از آموزش‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی بهره‌گیرند.

در زمینه فرهنگی، گام اول فرهنگ‌سازی اختصاصی قضات و سنت‌زدایی از قضات سنت‌گرای محافظه‌کار است. افزایش آگاهی قضات و به تبع آن فرهنگ‌سازی عمومی در این زمینه، از مباحث مهمی است که بایستی گام به گام انجام شود. توجه به فرهنگ بومی جامعه نیز از دیگر بایسته‌های اجرای مطلوب قوانین در دستگاه قضایی است. نگرش‌های مجازات‌گرایانه مردم و تفکرات حبس‌محور آنها سبب عدم پذیرش یا پذیرش کمتر مجازاتهای جایگزین حبس می‌شود.

در جهت تبیین چالش‌های سیاسی اجرای خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان مجازات جایگزین حبس باید گفت، سیاست همواره خواسته یا ناخواسته در همه امور یک کشور دخیل است. در اجرای مجازاتهای جایگزین حبس نیز می‌توان چالش‌ها و عوامل سیاسی را جزو موانع اساسی دانست. فرهنگ سیاسی و ایدئولوژی آشتی‌ناپذیر طبقه حاکم قدرتمند -به‌خصوص زمانی که مقامات قضایی از ابتدا متعهد می‌شوند تا در اجرا و انجام وظایف خود، به

دولت یا نماد دولت خدمت کنند، و دولت طرف دعوای در حال رسیدگی است - باعث متزلزل شدن شرط استقلال قاضی یا اعمال مجازات‌های شدید و گسترده جهت جبران می‌شود. اجرای موفقیت‌آمیز جایگزین‌های حبس، مستلزم تعیین نقش و حدود اختیارات قاضی اجرای مجازات، مأموران اجرای خدمات اجتماعی، مدیران نهادهای پذیرنده و دیگر کنشگران این عرصه است و هر یک از کارکنان سازمانها و نهادهای دارای مسئولیت می‌بایستی به صورت کامل و دقیق با فلسفه، مبنا و جایگاه قانونی این مجازات جایگزین آشنا شوند (فرجیها، ۱۳۸۷، ۲۷).

نقش اقتصاد و رشد اقتصادی در توسعه، تکامل و پیشرفت انسان و جامعه انسانی قابل اغماض و انکار نیست و رابطه جرم و اقتصاد شفاف است. عمده جرایم ریشه در مسائل اقتصادی دارند. حتی می‌توان گفت، تغییرات و تحولات اقتصادی سبب رویگردانی نظام عدالت کیفری از سیاست‌های کیفری سخت‌گیرانه به سیاست‌های اصلاح، درمان و پیشگیری شده است. پس جهت اجرای مجازات‌های جایگزین حبس، در مواردی که مانع اقتصادی سد راه است، از راهکار اقتصادی متناسب با آن مانع استفاده می‌شود. باید توجه داشته باشیم که اجرای خدمات جایگزین حبس از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است و در مواردی برای دولت منافع اقتصادی به همراه دارد، اما اجرای صحیح و موفق تمام مصادیق مجازات‌های جایگزین حبس به سرمایه‌گذاری کافی و مناسب نیاز دارد و ایجاد چنین روش‌هایی بدون در نظر داشتن برخی منابع مالی امکان‌پذیر نیست. جذب و توانمندسازی نیروی انسانی مورد نیاز، رفع کاستی‌ها و ضعف مالی نهادها و سازمان‌های قضایی و حقوقی، تأمین نیازها و واردات تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته مجازات‌های جایگزین حبس و ... بدون تأمین اعتبار ممکن نیست.

ایجاد شغل برای مجرمین از دیگر از سیاست‌های مؤثر در کاهش جمعیت افراد حبس شده است. اشتغال پایه اصلی اصلاح و بازپروری مجرم است. او در این راه استعدادها و تواناییهای خود را پیدا می‌کند. با وجود فرصت‌های شغلی در جامعه و رونق اقتصادی کشور، فرصتی مهیا خواهد شد تا محکومان به مجازات خدمات عمومی رایگان، بتوانند به جای تحمل مجازات حبس، به فعالیت در این نوع خدمات بپردازند؛ به نظر می‌رسد نه تنها سازمان‌های مختلف بلکه قوه قضاییه نیز افراد در حبس را مستحق صرف بودجه برای اشتغال نمی‌داند. صحیح‌ترین اقدام حاکمیت و دولت برای اجرای این مجازات در کنار توجه به اهداف عدالت ترمیمی، تحلیل علمی هزینه و فایده آن است. از طریق سیاست‌گذاری‌های اصولی می‌توان برای رفع محدودیت‌های موجود در این عرصه گام برداشت.

پیشنهاد می‌شود:

- موانع و چالش‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جایگزین حبس با ایجاد تحول در نظام قضایی کشور برداشته شود.
- اختصاص مجازات‌های نوین اجتماعی جایگزین حبس به درجات پایین مجازات‌ها ناظر بر ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی با فلسفه و روح جایگزین‌ها که مبتنی بر اصلاح و درمان مجرمین و بازپذیری اجتماعی آنها بوده در

تعارض می‌باشد. باید دایره شمول مجازات‌های اجتماعی را به درجات بالاتری از مجازات‌ها اختصاص داده و جنبه تخییری اعمال جایگزینها را محدود و جنبه الزامی بودن آن را افزایش دهیم.

- برای قضاات دادگاهها به‌خصوص قضاات سنت‌گرای طرفدار حبس باید دوره‌های آموزشی ترتیب داد و آنان را ترغیب به شناخت مکاتب جرم‌شناسی دنیا نمود.
- خدمات عمومی رایگان باید به‌عنوان مجازات جایگزین حبس با فرهنگ کشور بومی‌سازی شود و با توجه به تناسب جرم باید از ورود افراد به حبس جلوگیری نمود.
- تعارض منافع

کتاب شناسی

۱. ابراهیمی، شهرام، (۱۳۹۱)، «بازپروری عادلانه مجرمان»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دوره نهم، شماره ۳.
۲. اکبری رومنی، فرناز، (۱۳۷۹)، «درآمدی بر قوانین ماهیتی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره شصت و چهارم، شماره ۳۱.
۳. امامی، امید (۱۳۹۷)، «مکتب تحقیقی و نقش این مکتب در تحولات جرم‌شناسی (روای بازپروری)»، فصلنامه الکترونیکی پژوهش‌های حقوقی قانون یار، دوره اول، شماره ۱.
۴. آشوری، محمد، (۱۳۸۲)، «جایگزین‌های زندان و مجازات‌های بینابین»، تهران، نشر گرایش، چاپ اول.
۵. بختیاری، سید مرتضی، شهری، غلامرضا، مظفری، احمد، حمیدیان، حسن، (۱۳۸۱)، «واری جایگزین‌های مجازات زندان»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۸.
۶. بریت ویت، جان، (۱۳۸۵)، «عدالت ترمیمی»، ترجمه: مهرداد رایجیان اصلی، مجله تحقیقات حقوقی، دوره نهم، شماره ۴۳.
۷. بولک، برنار، (۱۳۸۵)، «کیفرشناسی»، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات مجد، چاپ ششم.
۸. پردال، ژان، (۱۳۸۱)، «تاریخ اندیشه‌های کیفری»، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم.
۹. جاوید، محمد جواد، شاهمردادی، عصمت، (۱۳۹۴)، «تعهد رسانه در قبال شفافیت قضایی»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره هفدهم، شماره ۴۷.
۱۰. جعفری، محسن، (۱۳۹۹)، «بررسی اهمیت و موانع اجرای مجازات جایگزین حبس در ایران»، ماهنامه آفاق علوم انسانی، دوره چهارم، شماره ۳۸.
۱۱. حاجی تبار فیروزجانی، حسن، صفاری، علی، (۱۳۸۶)، «جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران»، تهران، نشر فردوسی.
۱۲. حبیب زاده، محمد رضا، (۱۳۸۳)، «آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و یکم، شماره ۴۱.
۱۳. حبیب زاده، محمد جعفر، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، کلانتری، کیومرث، (۱۳۸۰)، «تورم کیفری، عوامل و پیامدها»، مجله مدرس علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۴.
۱۴. حسینی نژاد، حسینقلی، (۱۳۷۰)، «دفاع اجتماعی یا نظری کوتاه درباره حقوق کیفری»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۹.
۱۵. خاکسار، داوود، غلامی، حسین، (۱۳۹۷)، «سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس»، پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ششم، شماره ۱۱.
۱۶. رایت، مارتین، مارشال، تونی، مایز، مایکل، (۱۳۸۴)، «عدالت ترمیمی: ارتقا بخشیدن رویکرد بزه دیده محوری» (مجموعه مقالات)، ترجمه: امیر سماواتی پیروز، تهران، نشر خلیلیان، چاپ اول.

۱۷. رجیبی، ابراهیم، چاووشی، محمد صادق، (۱۳۹۷)، « تحولات نهاد اقدامات تأمینی و تربیتی »، فصلنامه علمی تحقیقات حقوق تطبیقی ایران و بین الملل، دوره یازدهم، شماره ۳۹.
۱۸. زهر، هوارد، (۱۳۸۸)، « عدالت ترمیمی »، ترجمه: حسین غلامی، تهران، مجد، چاپ دوم.
۱۹. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۰)، « دایرةالمعارف علوم اجتماعی »، تهران، نشر کیهان، جلد اول، چاپ سوم.
۲۰. شیری، عباس، (۱۳۸۵)، « پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزاهدنده و عدالت ترمیمی »، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۷۴.
۲۱. صفاری، علی، (۱۳۸۴)، « کیفرشناسی و توجیه کیفر »، در علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، تهران، انتشارات سلسبیل، جلد اول، چاپ اول.
۲۲. عابدی نژاد مهرآبادی، زهرا، (۱۳۸۶)، « زمینه‌های اجرایی مجازات‌های اجتماعی »، مجله حقوقی عدالت آراء، شماره ۸.
۲۳. عمید، حسن، (۱۳۷۶)، « فرهنگ عمید »، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۴. فرجیها، محمد، (۱۳۸۷)، « چالش‌های ارزیابی کیفرهای اجتماع محور »، مجله حقوقی دادگستری، دوره هفتاد و دوم، شماره ۶۴.
۲۵. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۶)، « کلیات حقوق »، تهران، نشر گستر.
۲۶. کهزادی باصری، محبوبه، (۱۳۹۷)، « مطالعه و بررسی مسئولیت کیفری و مدنی کودکان و نوجوانان »، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره دوم، شماره ۶.
۲۷. محسنی، مرتضی، (۱۳۵۶)، « دوره حقوق جزای عمومی »، تهران، نشر دانشگاه ملی ایران.
۲۸. محمدزاده وادقانی، علیرضا، (۱۳۷۶)، « رویه قضایی و نقش سازنده آن در حقوق »، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸.
۲۹. مقدسی، محمد باقر، فرجیها، محمد، (۱۳۹۲)، « ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی »، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره چهارم، شماره ۲.
۳۰. مهدوی پور، اعظم، دارابی پناه، شهین، شهرانی کرانی، نجمه، (۱۳۹۷)، « بررسی جایگزین‌های زندان با تکیه بر دیدگاه زندانیان »، پژوهش حقوق کیفری، دوره ششم، شماره ۲۳.
۳۱. مهرا، نسرين، (۱۳۸۶)، « کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان (با تکیه بر کارکردهای کیفر) »، مجله تحقیقات حقوقی، دوره دهم، شماره ۴۵.
۳۲. میری دلماس، مارتی، (۱۳۹۳)، « نظام‌های بزرگ سیاست جنایی »، ترجمه: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول.
۳۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۴)، « تقریرات جامعه شناسی جنایی »، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۹۲)، « درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها »، در بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری، تهران، نشر میزان.
۳۵. نوربها، رضا، (۱۳۸۰)، « زمینه جرم‌شناسی »، تهران، انتشارات گنج دانش، ویراست دوم.
۳۶. واحدی، قدرت الله، (۱۳۹۴)، « مقدمه علم حقوق »، تهران، نشر میزان، چاپ چهاردهم.

37. Abedinezhad Mehrabadi, Z. (2007). Executive Frameworks for Execution of Social Punishments. *Legal Journal of Justice*, (8). [In Persian]

38. Akbari Romani, F. (2000). An Introduction to Hittite Laws. *The Judiciary Law Journal*, 64(31). [In Persian]

39. Amid, H. (1997). *Farhang Amid*. Tehran, Amirkabir Publications. [In Persian]

40. Ashouri, M. (2003). *Alternatives to imprisonment and intermediate punishments*. first edition, Tehran, tendency publication. [In Persian]

41. Bakhtiari, S. M., Shahri, G. R., Mozaffari, A. & Hamidian, H. (2002). Examining Alternatives to Prison Punishment. *The Judiciary Law Journal*, (38). [In Persian]
42. Brith Witt, J. (2006). Restorative Justice. translated by Mehrdad Rayejian Asli, *Legal Research Quarterly*, 9(43). [In Persian]
43. Bullock, B. (2006). *Criminology*. translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, sixth edition, Tehran, Majd Publications. [In Persian]
44. Ebrahimi, Sh. (2012). Fair Rehabilitation of Criminals. *Criminal Law Doctrines*, 9(3). [In Persian]
45. Emami, O. (2018). Implementation School and the Role of this School in the Criminological Developments (Dream of Rehabilitation). *Journal Law Research of hanonyar*, 1(1). [In Persian]
46. Farajiha, M. (2008). Challenges of Assessing Community-Based Punishments. *The Judiciary Law Journal*, 72(64). [In Persian]
47. Habibzadeh, M. J., Najafi Abrandabadi, A. H. & Kalantari, K. (2001). Criminal Inflation, Factors and Consequences. *Journal of Teacher of Humanities*, 5(4). [In Persian]
48. Habibzadeh, M. R. (2004). Pathology of the Iranian Criminal Justice System. *Journal of Social Sciences and Humanities*, 21(41). [In Persian]
49. Haji Tabar Firoozjaei, H. & Safari, A. (2007). *Alternatives to Imprisonment in Iranian Criminal Law*. Tehran, Ferdowsi Publishing. [In Persian]
50. Hosseini Nezhad, H. G. (1991). Social Defense or a Brief Theory of Criminal Law. *Legal Research Quarterly*, (9). [In Persian]
51. Jafari, M. (2020). Study of the importance and obstacles to the implementation of alternatives to imprisonment in Iran. *Afagh Humanities Monthly*, 4(38). [In Persian]
52. Javid, M. J. & Shahmoradi, E. (2015). The Role of Media in Judicial Transparency. *Public Law Research*, 17(47). [In Persian]
53. Katozian, N. (1997). *Generalities of Law*. Tehran, Gostar Publishing. [In Persian]
54. Khaksar, D. & Gholami, H. (2018). Iran's Judicial Criminal Policy on Alternatives to Imprisonment. *Criminal Law and Criminology*, 6(11). [In Persian]
55. Kohzadi Baseri, M. (2018). Study and Investigation of Criminal and Civil Liability of Children and Adolescents. *Ghanonyar*, 2(6). [In Persian]
56. Mahdavi-pour, A., Darabi Panah, Sh. & Shahrani Karani, N. (2018). alternatives for imprisonment in view of prisoners. *Criminal Law Research*, 6(23). [In Persian]
57. Mehra, Nasrin (2007). Punishment and how it is determined in the UK criminal process (based on the functions of punishment). *Legal Research Quarterly*, 10(45). [In Persian]
58. Miri Delmas, M. (2014). *Large systems of criminal policy*. translated by Ali Hossein Najafi Abrandabadi, first edition, Tehran, Mizan Publishing. [In Persian]
59. Moghadasi, M. B. & Farajiha, M. (2014). Characteristics of Penal Populist Policies: A Comparative Study. *Comparative Law Review*, 4(2). [In Persian]
60. Mohammadzadeh Vadghani, A. R. (1997). Judicial Procedure and Its Constructive Role in Law. *Law and Political Science*, 38. [In Persian]
61. Mohseni, M. (1977). *Public Criminal Law Course*. Tehran, National Iranian University Press. [In Persian]
62. Najafi Abrandabadi, A. H. (2013). An Introduction to Research in the Criminal Justice System: Opportunities and Challenges. in *Research Requirements in the Criminal Justice System*, Tehran, Mizan Publishing. [In Persian]
63. Najafi Abrandabadi, A. H.. (2005). *Lectures on Criminal Sociology*. Tehran, Shahid Beheshti University. [In Persian]
64. Noorbaha, R. (2001). *Field of Criminology*. Second Edition, Tehran, Ganj-e-Danesh Publications. [In Persian]

65. Pradel, J. (2002). *History of Criminal Thoughts*. translated by Ali Najafi Abrandabadi, second edition, Tehran, Samat Publications. [In Persian]
66. Rajabi, E. & Chavoshi, M. S. (2018). Developments in the Institution of Security and Educational Measures. *International Legal Research Scientific Quarterly*, 11(39). [In Persian]
67. Safari, A. (2005). Criminalization and justification of punishment. *in criminal sciences (excerpts from educational articles to promote the knowledge of anti-narcotics practitioners in Iran)*, Volume One, First Edition, Tehran, Salsabil Publications. [In Persian]
68. Sarukhani, B. (2001). *Encyclopedia of Social Sciences*. Volume One, Third Edition, Tehran, Kayhan Publishing. [In Persian]
69. Shiri, A. (2006). Paradigms of Criminal Justice: Constructive Justice and Restorative Justice, *Law and Political Science*, 74. [In Persian]
70. Vahedi, G. (2015). *Introduction to Law*. Fourteenth Edition, Tehran, Mizan Publishing. [In Persian]
71. Wright, M., Marshall, T. & Mises, M. (2005). *Restorative justice: Improving the victim-centered approach (collection of articles)*. Translated by Amir Samavati Pirooz, first edition, Tehran, Khalilian Publishing. [In Persian]
72. Zehr, H. (2009). *Restorative Justice*. Translated by Hossein Gholami, second edition, Tehran, Majd. [In Persian]